

صلاة الاضلاع



دانشگاه یزد  
دانشکده علوم انسانی

گروه علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
علوم سیاسی

عنوان:

تفسیر دین و تأثیر آن بر آراء و اندیشه‌های سیاسی محمد  
تقی مصباح یزدی و محمد مجتهد شبستری

استاد راهنما: دکتر امیر روشن

استاد مشاور: دکتر محمد عابدی اردکانی

پژوهش و نگارش: محسن شفیعی سیف آبادی

شهریور ماه ۱۳۹۰

تقدیم به

اساتید عزیزم آقایان دکتر امیر روشن، دکتر محمد عابدی و دکتر اکبر غفوری که سال‌ها است در راستای ارتقاء سطح علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد می‌کوشند، هیچ‌گاه از این مهم عقب نشستند و همواره ثابت قدم ماندند. آنها با مقاومت خود، ایستادگی را به ما آموختند.

### **و تقدیم به**

پدر و مادر بزرگوارم که جز به شاد نمودن قلب پر مهر و سیمای دلنوازشان نمی‌اندیشم.

قبل از هر چیز بر خود لازم می‌دانم از دکتر امیر روشن که در راستای تدوین تحقیق حاضر، علاوه بر راهنمایی‌های دقیق، فرهنگ نگارش و چگونگی اندیشیدن را به من یاد دادند تشکر نمایم. به گونه‌ای متفاوت سپاسگذارم از مشاوره‌های نیکو و راهنمایی‌های دلسوزانه دکتر محمد عابدی اردکانی که همواره سر لوحه رفتار تحقیقاتیم خواهد بود. همچنین از دکتر محمد علی توانا و دکتر مهربان پارسامهر داوران داخلی و خارجی تشکر می‌نمایم که با پیشنهادات عالمانه خود بر بار علمی این نوشتار افزودند. در نهایت قدردانی می‌کنم از یاران دوست داشتنی و همراهان محبوبم آقایان الیاس بنادکوکلی، روح ا.. نادری و مهرداد نصیری که در امر ویرایش این اثر مرا یاری فرمودند.

## چکیده

تفسیر دین و تأثیر آن بر آراء سیاسی محمد مجتهد شبستری و محمد تقی مصباح یزدی هدف اصلی این پایان نامه است. از همین زاویه، سؤالات اصلی که در این تحقیق مطرح شده‌اند عبارت هستند از اینکه «اختلاف آراء و اندیشه سیاسی محمد تقی مصباح یزدی و محمد مجتهد شبستری از چه عاملی نشأت می‌گیرد؟ و چرا آنها در تفسیر دین به نتایج متفاوتی می‌رسند؟» جهت پاسخ به سؤالات مذکور، این فرضیات جهت آزمون ارائه شده است: «فرضیه اول: تفسیر متفاوت از دین توسط محمد تقی مصباح یزدی و محمد مجتهد شبستری باعث اختلاف در آراء و اندیشه سیاسی آنها شده است و فرضیه دوم: شرایط زمانی، مکانی و ایدئولوژیکی سبب برداشت و تفسیر متفاوت آن دو اندیشمند سیاسی-مذهبی از دین گردیده است».

جهت بررسی فرضیات فوق، درک آراء دینی-سیاسی و کشف مقصود مجتهد شبستری و مصباح یزدی از روش هرمنوتیک مؤلف محور و قصد گرا استفاده شد و ضمن واکاوی فضای عینی، محیطی و ایدئولوژیکی بیان آراء آنها، این نتیجه حاصل شد که فضای سیاسی-اجتماعی، ایدئولوژیکی و جریان‌های فکری قبل و بعد از انقلاب به خصوص دهه سوم انقلاب اسلامی، سهم بسزایی در شدت و ضعف موضع‌گیری‌های دینی آنها داشته است. به گونه‌ای که مجتهد شبستری به مرور زمان، با فاصله گرفتن از فضای ایدئولوژیکی اوایل انقلاب با اتخاذ روش هرمنوتیک فلسفی در مبانی دینی و اصول فکری خود چرخش‌هایی زیادی داشت. او هماهنگ با آن بینش دینی، به قصد اثبات این نکته که پرداختن به بحث‌های عقلانی پیرامون مقولات سیاسی به شدت مورد نیاز فضای کنونی جامعه حاضر است و به نیت حفظ گوهر ایمانی مؤمنان، آراء سیاسی متفاوتی با رویکرد سیاسی سابق خود اتخاذ نمود. در نقطه مقابل، مصباح یزدی با حفظ مبانی فقهی و اصول بنیادین خود، در برخی مواقع، چون پردازش مقوله «دموکراسی و نقش توده‌های مردم در حکومت» به قصد اثبات یکتایی روش فقهاتی در تفسیر دین، حفظ نظام ولایی و هدایت مسلمانان به سعادت ابدی، راهکار و تاکتیک‌های متفاوتی را اتخاذ می‌نماید.

**کلید واژه:** تفسیر دین، هرمنوتیک قصد گرا و مؤلف محور، مجتهد شبستری، مصباح یزدی، آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان.

## فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات تحقیق.....
۲	۱-۱- طرح و بیان مسأله.....
۳	۲-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۴	۳-۱- سوالات و فرضیات پژوهشی.....
۴	۴-۱- اهداف تحقیق.....
۵	۵-۱- پیشینه تحقیق.....
۵	۱-۵-۱- پایان نامه‌ها.....
۷	۲-۵-۱- مقاله‌ها.....
۱۰	۶-۱- روش تحقیق و روش جمع آوری داده‌ها.....
۱۰	۷-۱- تعریف مفهومی و عملیاتی مفاهیم و واژه‌ها.....
۱۰	۱-۷-۱- دموکراسی.....
۱۳	۲-۷-۱- آزادی.....
۱۴	۳-۷-۱- حقوق بشر.....
۱۵	۴-۷-۱- حقوق زنان.....
۱۸	فصل دوم: چهارچوب نظری.....
۱۹	۱-۲- مقدمه.....
۱۹	۲-۲- واژه‌شناسی و تعریف هرمنوتیک.....
۲۳	۳-۲- مفاهیم هرمنوتیک.....
۲۵	۴-۲- پیشینه روش شناسی هرمنوتیک.....
۲۶	۵-۲- روش تحقیق و علم هرمنوتیک.....

۲۷	۶-۲-هرمنوتیک عام و هرمنوتیک خاص.....
۲۹	۷-۲-انواع هرمنوتیک.....
۳۲	۱-۷-۲-هرمنوتیک روشی.....
۳۴	۱-۷-۲-۱-بیتی.....
۳۶	۱-۷-۲-۲-هیرش.....
۴۱	۱-۷-۲-۳-کوئنتین اسکینر.....
۴۷	۸-نتیجه گیری.....
	فصل سوم: زمینه و زمانه تأثیر آن بر تفسیر دینی محمد مجتهد شبستری
۴۸	و محمد تقی مصباح یزدی.....
۴۹	۱-۳-مقدمه.....
۴۹	۲-۳-پیشینه رویکردهای دینی در ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی.....
۵۰	۱-۲-۳-دوران مشروطه.....
۵۳	۲-۲-۳-دوران پهلوی.....
۵۵	۱-۲-۲-۳-بازرگان و برداشت علمی از دین.....
۵۹	۲-۲-۲-۳-سازمان مجاهدین خلق ایران و تفسیر التقاطی از دین.....
۶۰	۳-۲-۲-۳-شریعتی و جلال آل احمد؛ رویکرد جامعه شناختی به دین.....
۶۶	۳-۳-زمینه و زمانه و تأثیر آن بر تفسیر محمد مجتهد شبستری از دین.....
۶۶	۱-۳-۳-نواندیشی دینی.....
۶۷	۲-۳-۳-قبل از انقلاب اسلامی.....
۷۲	۳-۳-۳-بعد از انقلاب اسلامی.....
۷۶	۴-۳-۳-اواسط ده شصت (ه.ش) و آغاز تغییر در تفکرات دینی-کلامی شبستری.....
۷۸	۵-۳-۳-دولت اصلاحات و دیدگاه‌های دینی-کلامی شبستری.....

- ۳-۴- زمينه و زمانه و تأثير آن بر تفسير محمد تقی مصباح يزدي از دين ..... ۸۴
- ۳-۴-۱- جريان اسلام‌گرای فقهاتی ..... ۸۵
- ۳-۴-۲- قبل از انقلاب ..... ۸۷
- ۳-۴-۳- پس از انقلاب ..... ۹۱
- ۳-۴-۳-۱- جدال بر سر فهم دينی، برتری گفتمان اسلام سياسي فقهاتی ..... ۹۱
- ۳-۴-۳-۲- تحولات سياسي-اجتماعی دهه اول انقلاب و تثبيت فهم فقهاتی از دين ..... ۹۲
- ۳-۴-۴- دهه سوم انقلاب و تقابل با نگرش غربی، اصلاح‌طلبی و نواندیشان دينی و تأکید بر اسلام فقهاتی ..... ۹۴
- ۳-۵- نتیجه‌گیری ..... ۹۸
- فصل چهارم: تفسير دينی و آراء سياسي مجتهد شبستری و مصباح يزدي ..... ۱۰۰
- ۴-۱- مقدمه ..... ۱۰۱
- ۴-۲- تفسير دين و آراء سياسي مجتهد شبستری ..... ۱۰۱
- ۴-۲-۱- تفسير و تلقی محمد مجتهد شبستری از دين ..... ۱۰۲
- ۴-۲-۲- آراء سياسي مجتهد شبستری ..... ۱۰۸
- ۴-۲-۲-۱- دموکراسی مسلمانان ..... ۱۰۸
- ۴-۲-۲-۲- آزادی ..... ۱۱۱
- ۴-۲-۲-۳- حقوق بشر ..... ۱۱۶
- ۴-۲-۲-۴- حقوق زنان ..... ۱۲۰
- ۴-۳- تفسير دين و آراء سياسي مصباح يزدي ..... ۱۲۶
- ۴-۳-۱- تفسير و تلقی مصباح يزدي از دين ..... ۱۲۷
- ۴-۳-۲- آراء سياسي مصباح يزدي ..... ۱۳۲
- ۴-۳-۲-۱- دموکراسی ..... ۱۳۲



۱۳۸	..... ۴-۳-۲-آزادی
۱۴۲	..... ۴-۳-۲-حقوق بشر
۱۴۸	..... ۴-۳-۲-حقوق زنان
۱۵۵	..... ۴-۴-نتیجه گیری
فصل پنجم: بررسی تطبیقی تفسیر دین و تأثیر آن بر آراء سیاسی مجتهد	
۱۵۷	..... شبستری و مصباح یزدی
۱۵۸	..... ۵-۱-مقدمه
۱۵۸	..... ۵-۲-تفسیر دینی و مفهوم دموکراسی
۱۶۷	..... ۵-۳-تفسیر دینی و مفهوم آزادی
۱۷۶	..... ۵-۴-تفسیر دینی و مفهوم حقوق بشر
۱۸۶	..... ۵-۶-تفسیر دینی و مفهوم حقوق زنان
۱۸۷	..... ۵-۶-۱-فطرت زنان
۱۸۸	..... ۵-۶-۲-قوانین اسلامی و حقوق زنان
۱۹۰	..... ۵-۶-۳-مناصب حکومتی و زنان
۱۹۱	..... ۵-۶-۴-نظام اجتماعی و مجازات اسلامی
۱۹۴	..... ۵-۷-مجتهد شبستری و مصباح یزدی از نگاه نقادان
۱۹۴	..... ۵-۷-۱-مجتهد شبستری
۱۹۹	..... ۵-۷-۲-مصباح یزدی
۲۰۴	..... ۵-۸-نتیجه گیری
۲۰۷	..... فصل ششم: سخن پایانی
۲۱۳	..... منابع و مأخذ

## فهرست جداول

جدول ۱-۳ ..... ۸۳

جدول ۲-۳ ..... ۹۷

فصل اول:  
کلیات تحقیق

## ۱-۱- طرح و بیان مسأله

یکی از نکاتی که توجه پژوهشگران تاریخ اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و دینی را به خود جلب می‌کند، اختلاف آراء اندیشمندان سیاسی و اجتماعی، به ویژه اختلاف آرای سیاسی روشنفکران و علمای دینی به عنوان دو قشر تأثیرگذار در یک دوره تاریخی مشخص است. بدیهی است که تاریخ ما به خوبی این اختلافات و تفاوت‌های آراء و اندیشه‌ها را در خود بایگانی و نگهداری کرده است، اما علت اصلی این تفاوت آراء سیاسی، به خوبی مورد بحث و تحلیلی روشمند قرار نگرفته است. اینجا است که ذهن پژوهشگر در صدد بر می‌آید تا بفهمد چرا اختلاف اندیشه‌های متفکران مذهبی، به ویژه روشنفکران دینی با علمای سنتی تا بدانجا است که گاهی یکدیگر را طرد، نقد و حتی تکفیر می‌کنند. تقابل اندیشه سیاسی شیخ فضل الله و میرزا محمد حسین نائینی در دوران مشروطه یک نمونه از آن است. در آن دوران، طرفداران و طراحان مشروطه، مخالفان خود را محاربان امام زمان می‌نامیدند و از طرف دیگر مخالفان مشروطه، موافقان و ایدئولوگ‌های مشروطه را ملحد و بی‌دین اعلام می‌نمودند (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۸۵-۷۰).

در عصر حاضر نیز در ایران، این اختلاف آراء میان صاحب نظران دینی دیده می‌شود که مصداق آن محمد تقی مصباح یزدی و محمد مجتهد شبستری است. این دو اندیشمند سیاسی-مذهبی نگاهشان به دین با یکدیگر متفاوت است. این نگاه متفاوت، عامل اصلی اختلاف در آراء سیاسی این دو متفکر است. شبستری با اتخاذ روش‌های جدید به تفسیر دین می‌پردازد و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که از دین تفسیرهای متفاوت و متعددی می‌شود و به صراحت بیان می‌دارد که دین یک امر معنوی است و برای تعیین نوع حکومت و سیاست گذاری نازل نشده است.

در مقابل، مصباح یزدی با روش فقهی خود به گونه‌ای دیگر به این امر می‌پردازد و تأکید دارد که اساساً یک تفسیر بیشتر وجود ندارد و آن هم تفسیر فقهی با روش سنتی علمای اسلامی است. در نتیجه، او جدایی دین از سیاست را محال می‌داند. بنابر این، در این رساله، تفسیر متفاوت این دو از دین و تأثیر آن بر دیدگاه و اندیشه‌های سیاسی آنها، به خصوص مقوله‌هایی چون دموکراسی، آزادی، حقوق زنان و حقوق بشر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با این ملاحظات، سؤال اصلی این

تحقیق عبارت است از: «اختلاف آراء و اندیشه سیاسی محمد تقی مصباح یزدی و محمد مجتهد شبستری از چه عاملی نشأت می‌گیرد؟ و چرا آنها در تفسیر دین به نتایج متفاوتی می‌رسند؟»

## ۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

آنچه که در این تحقیق مورد نظر است، نشان دادن اصول و مبانی نظری آراء سیاسی مصباح یزدی و شبستری، با مراجعه به آثار مکتوب، فهم دینی و شرایط محیطی و ایدئولوژیکی آنها می‌باشد. در این میان، مصباح یزدی که با رویکردی فقه محور مدعی فهم انحصاری از دین و نگاهش به دین حداکثری است، معتقد است می‌توان با نگاهی فقه محور و جامع به دین، در عرصه سیاسی وارد شد و مفاهیم سیاسی را سازمان داد. زیرا به گمان وی، به غیر از برخی معارف فرعی دینی از جمله ظنیات، اکثر معارف اصلی دین به ویژه قطعیات و یقینیات، ثابت و تغییر ناپذیرند و بین آنها و نظریات علمی و فلسفی هیچ‌گونه تعارضی وجود ندارد. اما در نقطه مقابل، مجتهد شبستری، که با رویکرد هرمنوتیک فلسفی به تحلیل عقلانی از دین می‌پردازد، با قرائتی نوین از دین، کارکرد دین را به جنبه فردی و نیازهای وجودی انسان و نه مفاهیم و مقولات سیاسی-اجتماعی معطوف می‌سازد. وی را که می‌توان قائل به شناخت حداقلی و انتقادی از فهم سنتی دین دانست، مدعی است که معرفت دینی متحول است و باید بر اساس قواعد روش هرمنوتیک آنها را فهمید. در همین راستا، با توجه به مجموعه شرایط اجتماعی و تاریخی و پیش فرض‌های ذهنی دخیل در فهم دین، دین قابلیت فهم‌های مختلف را می‌یابد. اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر نیز در این است که تلاش دارد به این نکته بپردازد که چه ارتباطی میان پیش فهم‌ها و تفاسیر اندیشمندان دینی از یک طرف و آراء سیاسی آنها از طرف دیگر وجود دارد؟ علت‌های اختلاف متفکران دینی در مباحث سیاسی چیست؟ و شرایط ایدئولوژیکی و فضای سیاسی-اجتماعی آنها چه تأثیری در اتخاذ تدابیر و تفاسیر دینی و متعاقباً شکل دهی به آراء سیاسی آنها داشته است؟ بی‌گمان امروزه در ایران اندیشمندان دینی در بسیاری از امور سیاسی با یکدیگر متفق‌القول نیستند. اگر بتوان به علل اصلی چنین اختلاف آرای پی‌برد، نتایج آن می‌تواند برای پژوهشگران حوزه دین، سیاست و سیاستمداران قابل توجه باشد.

## ۱-۳-سوالات و فرضیات پژوهشی

**سؤال اول:** اختلاف آراء و اندیشه سیاسی مصباح یزدی و مجتهد شبستری از چه عاملی نشأت

می‌گیرد؟

**سؤال دوم:** چرا در تفسیر دین این دو به نتایج متفاوتی می‌رسند؟

**فرضیه اول:** تفسیر متفاوت از دین توسط محمد تقی مصباح یزدی و محمد مجتهد شبستری

باعث اختلاف در آراء و اندیشه سیاسی آنها شده است.

**فرضیه دوم:** شرایط زمانی، مکانی و ایدئولوژیکی سبب برداشت و تفسیر متفاوت آن دو

اندیشمند سیاسی-مذهبی از دین شده است.

## ۱-۴-اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق بررسی تأثیر تفسیر دین بر آراء و اندیشه‌های سیاسی محمد تقی

مصباح یزدی و محمد مجتهد شبستری است. اهداف خاص نیز عبارتند از:

۱. شناسایی، تعریف و جایگاه هرمنوتیک به طور عام و هرمنوتیک قصدگرا و مؤلف محور به طور

خاص.

۲. بررسی زمینه‌های تاریخی و فکری عصر مصباح یزدی و مجتهد شبستری در شکل‌گیری آرای

سیاسی این دو، به عبارت دیگر شناسایی و بررسی عناصر زمان، مکان و فضای (شرایط و موقعیت)

بیان آراء آنها.

۳. تأثیر آیات و احادیث منتخب و مورد استناد مصباح یزدی و مجتهد شبستری بر اندیشه‌های

سیاسی آنها.

## ۱-۵- پیشینه تحقیق

تا کنون در مورد علل اختلاف علما و روشنفکران دینی در خصوص تفاسیر دینی و اندیشه سیاسی، تحقیقات و پژوهش‌های تقریباً زیادی انجام گرفته است. با این وجود در مورد اختلاف اندیشه‌های سیاسی محمد تقی مصباح یزدی و محمد مجتهد شبستری و نقش تفسیر دین در این اختلافات، کمتر تحقیق شده است. نگارنده در ذیل به تعدادی از پایان نامه‌ها و مقاله‌هایی که مرتبط با پژوهش حاضرند اشاره نموده است.

### ۱-۵-۱- پایان نامه‌ها

محمد جواد شفیع پور در پژوهشی با عنوان «رابطه قانون و شریعت در اندیشه متفکران دینی معاصر» با تأکید بر آرای مصباح یزدی و مجتهد شبستری، از منظر متفاوت با تحقیق حاضر، اختلاف آرای مصباح یزدی و مجتهد شبستری را مورد بررسی قرار داده است. وی ضمن پذیرش این امر که با ورود مدرنیته به ایران، برخی از دستاوردهای آن، به خصوص مفهوم قانون، با مفاهیم موجود در سنت فکری اسلام در چالش قرار گرفته است، در صدد پاسخ به این سوال است که متفکران دینی معاصر چگونه چالش به وجود آمده بین قانون و مفهوم مدرن آن و شریعت را تبیین کرده‌اند. بنابراین، نویسنده پس از تبیین مفهوم مدرنیته و ... به بررسی مبانی انسان‌شناسی و نوع نظام سیاسی در آراء مصباح یزدی و مجتهد شبستری پرداخته است (شفیعی پور، ۱۳۸۶).

سید خدایار مرتضوی در پایان نامه خود با نام «سنجش انسجام درونی آراء سیاسی نوگرایان دینی معاصر ایران (مطالعه موردی: عبدالکریم سروش و مجتهد شبستری)»، می‌کوشد با استفاده از روش اسکینر و آراء مک اینتایر به بررسی اندیشه‌های عبدالکریم سروش و مجتهد شبستری بپردازد و رابطه آراء سیاسی آنها و مبانی فکریشان را مورد بررسی قرار دهد. نتیجه بررسی وی این است که آراء سیاسی این دو نوگرای دینی معاصر ایرانی، آرای عرفی و بشری بوده که از سنت عرفی غرب پیروی کرده است. در نهایت بیان می‌دارد که رابطه بین آرای سیاسی و مبانی فکری سروش و شبستری از استحکام منطقی و انسجام درونی برخوردار نیست (مرتضوی، ۱۳۸۳).

پژوهش عاطف محمد نژاد اصل با عنوان «پارادایم روشنفکری دینی در ایران از سال ۱۳۶۸ به بعد بر اساس اندیشه‌های دکتر عبدالکریم سروش، محمد مجتهد شبستری و محسن کدیور» نیز با تحقیق حاضر ارتباط اندکی دارد. هدف اصلی نگارنده از انتخاب این موضوع، ارائه راهکاری است برای برون رفت از بحران دینی ناشی از تقابل بین سنت و مدرنیته که منجر به دین‌گریزی در جوانان شده است. روش تحقیق این پایان نامه اسنادی است و داده‌ها به طور علمی توصیف و تحلیل شده‌اند. نویسنده در پایان به این نتیجه می‌رسد که زمینه ظهور پارادایم روشنفکری دینی جهت پاسخگویی و ارائه راهکارهای مناسب برای ایجاد تعامل بین سنت و مدرنیته و جلوگیری از بحران دینی موجود در جامعه کنونی ایران فراهم شده است (محمد نژاد، ۱۳۸۴).

در تحقیق حامد رضایی تحت عنوان «قرائت‌های مختلف از متون دینی» (در نظر جوادی آملی و مجتهد شبستری)، نظر مجتهد شبستری و جوادی آملی درباره میزان تأثیر پیش فرض‌ها، پیش فهم‌ها و همچنین علوم و معارف عصری بر فهم و تفسیر متون مقدس، نقد و بررسی شده است. نویسنده در این پژوهش تأثیر قرائت‌پذیر انگاری متون بر رویکرد دینی فرد دین‌دار را ارزیابی کرده است. این تحقیق بر نقش پیش فرض‌ها در تفسیرهای علما و اندیشمندان دینی توجه دارد اما به تأثیر آنها بر آرای سیاسی مجتهد شبستری و جوادی آملی نمی‌پردازد (رضایی، ۱۳۸۷).

«بررسی انتقادی نسبت عقل و دین از دیدگاه عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری» عنوان پایان نامه‌ای است که محمد جعفری آن را تدوین کرده است. نویسنده در این نوشتار بر آن است تا نسبت میان عقل و دین را از منظر سروش و شبستری مورد نقد و ارزیابی قرار دهد. وی در این تحقیق به نقش عقل در تبیین و تکامل باورهای دینی پرداخته و روشن نموده است که آراء روشنفکران فوق درباره نظریه تکامل معرفت دینی و فرآیند فهم متون، به نوعی عقل‌گرایی افراطی منجر می‌شود. نقش عقل در توجیه آموزه‌های دینی، فصل پایانی رساله مذکور است. از نظر نگارنده مذکور، نواندیشان مورد نظر، عقل‌نظری را صرفاً در معقول‌سازی و نه اثبات باورهای دینی کارآمد می‌بینند و با صحنه گذاشتن بر عقل تجربی به آزمون‌پذیری تاریخی باورهای دینی رو آورده و درباره نسبت عقل عملی و دین، به سکولاریسم اخلاقی ملتزم می‌شوند. علاوه بر این، نویسنده در این



پژوهش دیدگاه‌های نواندیشان مذکور را در هر بخش، از منظر درون دینی و برون دینی به نقد گذاشته است (جعفری، ۱۳۸۲).

در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی مبانی نظری متفکران معاصر» (ملکیان و مصباح یزدی)، حسن مهدی پورمیری در صدد نشان دادن اصول و مبانی نظری سیر استدلالی آراء و نظرات دینی مصباح یزدی و ملکیان، با مراجعه به آثار مکتوبشان می‌باشد. نتایج حاصله این بوده که مصباح یزدی با رویکردی فلسفی - کلامی به دفاع عقلانی از حقانیت انحصاری دین می‌پردازد، دینی که کمال و سعادت انسانی در گرو ایمان آوردن و مطابقت تمام جنبه‌های فردی و اجتماعی انسان با آن است. ایمانی که مسبوق به علم یقینی به باورهای دینی و التزام عملی بر آنها است. اما ملکیان که با رویکرد فلسفه دین و پراگماتیستی به تحقیق عقلانی و روان‌شناسانه دین می‌پردازد با قرائت معنویت گرایانه از دین، کارکرد دین را تنها به جنبه فردی و نیازهای وجودی و در جهت کاستن برخی از درد و رنج‌هایی که با ابتدای به علوم و معارف بشری قابل رفع نیست، معطوف می‌سازد (مهدی پورمیری، ۱۳۸۵).

سرانجام در پایان نامه محمد رضا سامانی با عنوان «تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای تساهل سیاسی میان نظریات سیاسی جان لاک، محمد تقی مصباح یزدی و عبدالکریم سروش» موضوع تساهل سیاسی از منظر فرهنگ غرب و فرهنگ اسلامی ایرانی بررسی و افرادی به عنوان شاخص، مطرح و نکات افتراق و اشتراک ارزیابی شده است. جان لاک از حوزه فرهنگ سیاسی غرب و محمد تقی مصباح یزدی و عبدالکریم سروش از حوزه فرهنگ سیاسی اسلامی معاصر به عنوان شخصیت‌های اصلی این دو گرایش انتخاب شده‌اند (سامانی، ۱۳۸۰).

#### ۱-۵-۲- مقاله‌ها

«روش شناسی فهم مسئله آزادی در اندیشه سیاسی مسلمانان» به قلم شریف لکزی، عنوان مقاله‌ای است که نویسنده در آن، ابتدا به تبیین مفهوم آزادی می‌پردازد. او معتقد است برای تحقق دیدگاهی جامع و در دسترس از مسئله آزادی، باید به فهم ترکیبی از آزادی دست یازید که تمامی

حوزه‌های تأثیرگذار بر حیات آدمی در آن حضور داشته باشد. بر این پایه، آزادی را بر اساس چهار رویکرد مهم فیلسوفانه، جامعه‌شناسانه، روانشناسانه و فقیهانه بررسی می‌کند (لکزایی، ۱۳۸۶).

وی در مقاله‌ای دیگر با عنوان «ویژگی‌ها و چالش‌های روش شناختی فقه سیاسی شیعه» بر چالش اصلی فقه شیعه بین اصولیون و اخباریون متمرکز می‌شود. این چالش از نظر نویسندگان اختلاف نظر در ابزارهای لازم برای استنباط احکام شرعی است. به باور نگارنده، از منظر اصولی‌ها لازم است از دانشی به نام اصول فقه به عنوان ابزار کشف حکم شرعی استفاده شود، حال آنکه به نظر اخباری‌ها اصول فقه از زمره دانش‌های بشری است و کاربرد آن در مقوله استنباط احکام، باعث گمراهی و کج فهمی می‌شود (لکزایی، ۱۳۸۶).

عباسعلی عمید زنجانی در مقاله خود با عنوان «روش شناسی در تحقیقات فقه سیاسی» پس از تعریف فقه سیاسی و پاسخ‌هایی که فقه در رابطه با مسائل سیاسی دارد یا باید داشته باشد، تلاش می‌کند نوآوری و نظریه پردازی در مسائل فقه سیاسی را تبیین کند. از نظر نویسنده، دستیابی به این هدف مستلزم توجه به نقش زمان و مکان در فهم حدیث، با منابعی محدود یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل از سوی دیگر است (عمید زنجانی، ۱۳۷۶).

مقاله «کاربرد روش‌های تحلیل گفتمانی در مطالعات سیاسی اسلام» از غلامرضا بهروز لک، نام اثری دیگر در این ارتباط است. به باور او، با توجه به کاربرد وسیع تحلیل‌های گفتمانی در مطالعات سیاسی، این پرسش وجود دارد که آیا می‌توان در پژوهش‌های سیاسی اسلامی از این روش‌ها بهره جست؟ نویسنده پس از گزارشی اجمالی از رویکردهای تحلیل گفتمانی و بررسی تناسب آن با مطالعات سیاسی اسلامی، در نهایت بر این باور است که امکان استفاده از این روش‌ها در برخی پژوهش‌های حوزه اندیشه سیاسی اسلام وجود دارد؛ به شرط آنکه مبانی و ویژگی‌های نسبی گرایانه و ضد ذات گرایانه این روش‌ها تعدیل شوند. نویسنده علت این امر را ظرفیت‌هایی می‌داند که برای تغییر و تحول در تفکر سیاسی اسلامی وجود دارد. وی معتقد است چنین تحولی باید مبتنی بر پایبندی به اصول معینی باشد و در واقع بر اساس عقل‌گرایی نهفته در رویکردهای اسلامی صورت بگیرد. از این رو در صورت کاربرد تحلیل‌های گفتمانی در مطالعات اسلامی، می‌بایست صرفاً به صورت موقت و با تحفظ بر مبانی متفاوت رویکردهای گفتمانی با تفکر اسلامی اقدام نمود (بهروز لک، ۱۳۸۶).

در مقاله «جایگاه هرمنوتیک در پژوهش‌های سیاسی اسلامی» به قلم بهرام اخوان کاظمی، پرسش از امکان یا امتناع کاربرد روش و دانش هرمنوتیک در عرصه پژوهش دینی و به ویژه عرصه سیاسی به میان آمده است. نویسندگان در این نوشتار با بررسی نحله‌های مختلف هرمنوتیک، نحله هرمنوتیک فلسفی و نظریات منشعب از آن در جهان اسلام و متعلق به نواندیشان دینی را مورد بررسی قرار داده است. سپس وی ناهمسازی و امتناع کاربردی آنها را در عرصه مطالعات اسلامی و سیاسی بیان کرده است. البته نویسندگان معتقد است امکان استفاده از برخی نحله‌های دانش هرمنوتیک که نسبی‌اندیش نیستند و به اصالت تعیین متن وفادارند کاملاً منتفی نیست و می‌توان با حذف جوانب ناهم‌ساز و مردود آنها، هم به مثابه «روش» و همچنین «دانش» از آنها سود برد و در واقع با توجه به ضرورت کاربرد روش‌های جدید پژوهشی در مطالعات اسلامی و سیاسی، می‌توان هرمنوتیک مقبول پیش گفته را بر پایه روش‌های تأویل و تفسیر اسلامی بازسازی، ساماندهی و به هنگام کرد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۴).

مقاله «هرمنوتیک و مطالعات اسلامی» به قلم سید صادق حقیقت نیز به بررسی نسبت هرمنوتیک و مطالعات اسلامی پرداخته است. نویسندگان با این اعتقاد که کلیه نحله‌های هرمنوتیک به طور درست و دقیق در زبان فارسی معرفی و شناخته نشده‌اند، به طور مبسوط به تبیین و معرفی تمام شاخه‌های هرمنوتیک پرداخته است. وی پس از معرفی هر نحله، به اجمال اشاره کرده که آیا این نوع هرمنوتیک قابلیت بهره‌گیری در مطالعات اسلامی را دارد یا خیر؟ به نظر وی برخی نحله‌های هرمنوتیک با اصول اسلامی سازگاری دارند و تا حدی می‌توان از آن بهره جست ولی در برخی از آنها این امکان وجود ندارد. با این وجود، به نظر می‌رسد به دلیل فقدان منابع و پیچیدگی موضوع مقاله، چندان به طور دقیق نسبت بین هرمنوتیک و مطالعات اسلامی و میزان و نحوه استفاده از آن نشان داده نشده و نگارنده به طرح کلیات بسنده کرده است (حقیقت، ۱۳۷۹).

## ۱-۶- روش تحقیق و روش جمع آوری داده‌ها

نگارنده در این پژوهش بر آن است تا با بهره‌گیری از روش هرمنوتیک قصدگرا و مؤلف محور و کشف نیت و انگیزه این دو شخصیت سیاسی-مذهبی، به علت اصلی اختلاف در اندیشه سیاسی آنها پی ببرد. بنابراین تحقیق حاضر از نظر روش، محتوا و ماهیت «تفسیری» و از نظر متغیرهای مورد بررسی «کیفی» محسوب می‌شود. روش جمع آوری داده‌ها نیز به صورت اسنادی و استفاده از روش کتابخانه‌ای می‌باشد.

## ۱-۷- تعریف مفهومی و عملیاتی مفاهیم و واژه‌ها

### ۱-۷-۱- دموکراسی

«دموکراسی»<sup>۱</sup> واژه‌ای یونانی است که از نظر برخی در قرن شانزدهم از طریق واژه فرانسوی «دموکراتی» وارد زبان انگلیسی شد. از لحاظ لغوی، در زبان یونانی، دموس به معنای مردم و کراتین به معنای حکومت کردن آمده است (هلد، ۱۳۶۹: ۱۴). از حیث اصطلاحی، دموکراسی یک روش حکومتی است برای مدیریت همه جانبه و کم‌خطا بر مردم حق مدار که در آن افراد جامعه و نه فرد یا گروهی خاص، حکومت می‌کنند. ساموئل هانتینگتون در کتاب موج سوم دموکراسی می‌نویسد: «روش دموکراتیک ترتیبات سازمان یافته‌ای است برای نیل به تصمیمات سیاسی که در آن افراد از طریق انتخابات رقابت آمیز و رأی مردم، به قدرت و مقام تصمیم‌گیری می‌رسند.» (هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۱۰-۹). با این تعریف، «دموکراسی» دو بعد رقابت و مشارکت به خود می‌گیرد.

با این وجود، گونه‌های مختلفی از دموکراسی وجود دارد و میان انواع گوناگون آنها، تفاوت‌های بنیادینی وجود دارد. دیوید هلد در کتاب مدل‌های دموکراسی، انواع دموکراسی را به شرح زیر بر می‌شمارد: ۱) دموکراسی کلاسیک که به مشارکت مستقیم شهروندان در امور قانون

<sup>1</sup> - Democracy